
فرهنگ‌واره لغات و ترکیبات عربی شاهنامه

www.ketab.ir

شایبک	۹۷۸-۹۶۴-۳۷۲-۸۱۶ :
شماره کتابشناسی ملی	۴۶۰۵۲۳ :
عنوان و نام پدیدآور	فرنگ‌وار، سادات. ترکیبات عربی شاهنامه: بر اساس ویرایش دوم تصحیح دکتر خالقم مطهر. تحقیق و تألیف سجاد آیدنلو. تهران، نشر سخن، ۱۱۰۰ هـ. ۲۰۰۰ ص.
مشخصات نشر	تهران، نشر سخن، ۱۱۰۰ هـ. ۲۰۰۰ ص.
مشخصات ظاهری	کتابنامه: ص. ۱۷۳.
یادداشت	شاهنامه، برگزیده
عنوان قراردادی	فردوسی، ابوالقاسم، ۳۲۹-۴۱۶ ق. واژه‌ها
موضوع	Ferdowsi, Abolqasem - Vocabulary :
موضوع	فردوسی، ابوالقاسم، ۳۲۹-۴۱۶ ق. واژه‌ها.
موضوع	Ferdowsi, Abolqasem. Shahnameh - Dictionaries :
موضوع	فردوسی، ابوالقاسم، ۳۲۹-۴۱۶ ق. شاهنامه - کشف اللغات
موضوع	Ferdowsi, Abolqasem. Shahnameh - Concordances :
موضوع	شعر فارسی - قرن ۴ ق. - تاریخ و نقد
موضوع	Persian poetry -- 10 th century - History and criticism :
موضوع	فارسی - واژه‌ها و ترکیبات خارجی - عربی - واژه‌نامه‌ها
موضوع	Persian language - Foreign words and phrases - Arabic - Dictionaries :
رده‌بندی دیویی	۸۵۱/۲۱ :
رده‌بندی کنگره	۱۳۹۶ ۴۹۰۱۹ / PIR۴۴۹۴ :
سرشناسه	آیدنلو، سجاد، ۱۳۵۹-
وضعیت فهرست‌نویسی	فیا :



انتشارات سخن

تهران، خیابان انقلاب، خیابان دانشگاه، خیابان وحید نظری، پلاک ۴۸

کد پستی: ۱۳۱۴۷۳۷۶۳

فکس: ۶۶۴۰۵۰۶۲

www.sokhanpub.net

E-mail: sokhanpub@yahoo.com

[@sokhanpub](https://www.instagram.com/sokhanpublication)

[@sokhanpublication](https://www.instagram.com/sokhanpublication)

فرهنگ‌واره لغات و ترکیبات عربی شاهنامه

(بر اساس ویرایش دوم تصحیح دکتر خالقی مطلق)

پژوهش و نگارش:

دکتر سجاد آیدنلو

(عضو هیأت علمی دانشگاه پیام نور ازبکستان)

لیتوگرافی: کوثر

چاپ: دایره سفید

چاپ اول: ۱۳۹۶

تیراژ: ۷۷۰ نسخه

شابک: ۹۷۸-۹۶۴-۳۷۲-۸۱۶-۸

تلفن‌های تماس جهت دریافت کتاب در منزل یا محل کار:

۶۶۹۵۳۸۰۴-۶۶۹۵۳۸۰۵

فهرست

۱۱	پیشگفتار
۱۵	مقدمه
۳۳	لغات و ترکیبات عربی
۷۹	واژه های معرب
۸۹	ترکیبات عربی - فارسی / فارسی - عربی
۹۹	ترکیبات معرب - فارسی / فارسی - معرب
۱۰۳	اسامی خاص (کسان و جایها)
۱۲۷	کلمات مشکوک (از نظر اصالت ضبط و کاربرد)
۱۲۹	واژه های نیازمند بررسی بیشتر (به لحاظ ریشه و تبار)
۱۳۵	لغات عربی یا معرب ابیات دقیقی
۱۵۱	جدول الفبایی درهم کرد لغات و ترکیبات عربی فردوسی و دقیقی
۱۷۳	منابع
۱۸۵	A Summary of the Research

به نام خداوند جان و خرد

پیشگفتار

کسانی که در انجمن‌های شاهنامه‌خوانی و مجالس بزرگ داشتِ فردوسی و حماسه ملی ایران حضور داشته‌اند بارها این پرسش را از زبان بسیاری از علاقه‌مندان و خوانندگان شاهنامه شنیده‌اند که آیا/ مگر حکیم طوس در سرایش اثر بزرگ خویش از واژه/ واژه‌های عربی هم استفاده کرده است؟ اغلب شاهنامه‌دوستانی که این سوال را طرح میکنند از پیش پاسخ آن را نه دارند و چنین می‌پندارند که در سراسر شاهنامه هیچ لغت غیرفارسی به کار رفته است. این تصور - که فقط منحصر به عموم خوانندگان و دوستداران شاهنامه نیست - و نگارنده آن را در نوشته‌های شماری از پژوهشگران و مدرّسان ادبیات نیز دیده‌ام. از گفتارشان شنیده - از سده‌های پیشین در ایران و خارج از ایران وجود داشته است. پاول هرن - در تحقیقی ناقص - و سپس پل هومبر / هومبرت نخستین کسانی هستند که به موضوع لغات عربی شاهنامه پرداخته و با استخراج و چاپ مستقل این واژه‌ها نشان داده‌اند که برخلاف گمان برخی، در حماسه ملی ایران چند صد لغت عربی هست. پس از این دو محقق، عده‌ای دیگر از پژوهندگان ایرانی و غیر ایرانی در مقالاتی جداگانه یا در بین کتابها و تحقیقاتشان به نوع و شمار واژه‌های عربی فردوسی توجه کرده‌اند که معروف‌ترین آنها رساله دکترِ دکتر محمد جعفر

معین‌فر به نام کلمات عربی در شاهنامه (به زبان فرانسوی) است که سه مقاله از آن نیز در نشریات ایران چاپ شده است.

از نظر روش‌شناسی تحقیق، ایراد اصلی همه این کارها - که معرفی و مرور آنها در مقدمه فرهنگ‌واره حاضر آمده - استناد بر چاپهای کم‌اعتبار یا نیمه/نسبتاً معتبر شاهنامه است و البته که با توجه به زمان انجام گرفتن و انتشار آنها: این نیز نمی‌توانست باشد اما با پایان کار بزرگ دکتر جلال خالقی مطلق و همکارشان دکتر محمود امیدسالار و دکتر ابوالفضل خطیبی در تصحیح علمی-اسفندی شاهنامه و به‌ویژه انتشار ویرایش دوم این تصحیح در زمستان سال ۱۳۹۳، فعلاً نفع‌ترین متن حماسه ملی ایران به شمار می‌آید، لازم است بعضی از پژوهش‌های مربوط به شاهنامه دوباره بر پایه این چاپ نزدیک به اصل سروده فردوسی، بازنگری و نتایج آنها تغییراتی ایجاد شود.

از همین روی نگارنده، موضوع جالب، پرسش‌انگیز و بعضاً حتی مناقشه‌ساز لغات عربی شاهنامه، را باقی‌ویرایش دوم تصحیح دکتر خالقی مطلق (تهران، انتشارات سخن، ۲، ۱۳۹۳) بررسی و حاصل کار را در رساله کنونی تقدیم علاقه‌مندان و محققان شاهنامه کرده است. چنان که خوانندگان ارجمند ملاحظه خواهند کرد لغات و ترکیبات و استخراج از این متن در هشت بخش تقسیم‌بندی و معرفی شده که عبارت است از: ۱. لغات و ترکیبات عربی ۲. واژه‌های معرب ۳. ترکیبات عربی-فارسی/فارسی-عربی ۴. ترکیبات معرب-فارسی/فارسی-معرب ۵. اسامی خاص ۶. کلمات مشکوک (از نظر اصالت ضبط و کاربرد) ۷. واژه‌های نیازمند بررسی بیشتر ۸. لغات عربی یا معرب ابیات دقیقی.

چون این رساله، فرهنگ در معنای فنی و اصطلاحی آن نیست و نیز به دلیل سطح و نوع مخاطبان، تلفظ و معنای همه لغات و ترکیبات داده نشده است آن را «فرهنگ‌واره» نامیده‌ایم. این ترکیب در فرهنگهای فارسی نیامده و نگارنده آن را از شادروان استاد ایرج افشار در کتاب فهرست مقالات فارسی آموخته و

استفاده کرده است که در پایان هر یک از مجلدات، بخشی را به نام فرهنگ‌واره موضوعی آورده و این ترکیب را به کار برده‌اند.

شیوه کار در فرهنگ‌واره لغات و ترکیبات عربی شاهنامه به این صورت است که در هر یک از بخشهای هشت‌گانه، نخستین شاهد استعمال هر لغت در متن شاهنامه داده شده و فقط تلفظ و معنای واژه‌هایی آورده شده است که احتمال می‌رود برای برخی از علاقه‌مندان و دانشجویان اندکی دشوار بنماید. در پایان متن و به عنوان ضمیمه نیز جدولی آورده‌ایم که فهرست الفبایی و درهم‌کر شده لغات و ترکیبات بخشهای هشت‌گانه رساله است. در این جدول نوع هر لغت با ترکیب یا نشانه اختصاری در برابر آن تعیین شده و هدف از تنظیم آن این بوده است که مراد واژه‌ها و ترکیبات عربی، معرب، عربی-فارسی، معرب-فارسی و... بیات مرده‌سی و هزار و پانزده بیت دقیقی یک جا و به ترتیب الفبایی پیش روی خوانندگان و محققان باشد و هم علاقه‌مندانی که هنگام خواندن شاهنامه به واژه‌ای بر می‌خورند و می‌خواهند بدانند که عربی/معرب است یا خیر؟ با مراجعه به این جدول آن لغت را بیابند و با استفاده از علامت اختصاری مقابل آن به محل مربوط به آن در بخشهای هشت‌گانه متن مراجعه کنند و شاهد یا احیاناً توضیح لازم را بجوانند.

از آنجایی که پیشگامی در تحقیق لغات عربی شاهنامه با محققان غیر ایرانی بوده است و شماری از کارها - از جمله معروف‌ترین و معتدل‌ترین آنها - در بیرون از ایران و به زبانهای آلمانی و فرانسوی و انگلیسی نوشته شده، گزارشی کوتاه از مقدمه و نتایج و آمارهای این فرهنگ‌واره را به زبان انگلیسی نیز به دست داده‌ایم تا پژوهشگران غربی هم از حاصل این تحقیق آگاه شوند و شاید استفاده بکنند. این ضرورت، بیشتر از آن روی است که در مقالات و مداخلهایی که اخیراً به انگلیسی نوشته و در آنها به موضوع واژه‌های عربی شاهنامه نیز اشاره شده همچنان به یافته‌ها و آمارهای قدیمی - و غالباً رساله دکتر معین‌فر - استناد شده است / می‌شود.

فرهنگ‌واره لغات و ترکیبات عربی شاهنامه جدیدترین پژوهش در این باب است و به دلیل استناد بر ویرایش دوم تصحیح دکتر خالقی حتی می‌توان آن را معتبرترین کار نیز درباره این موضوع محسوب کرد اما تکمیل و جامعیتش نیازمند چهار کار اساسی است که باید محققان و متخصصان انجام بدهند: نخست، افزودن واژه‌ها و ترکیباتی که احتمالاً از نظر نگارنده دور مانده / افتاده و در دست بخش آن نیامده است. دوم، اصلاح خطاهای نگارنده در تشخیص تعیین عربی یا معرب بودن بعضی لغات؛ سوم، اظهار نظر درباره واژه‌های نیارمند بررسی‌های بیشتر در بخش هفتم متن و نهایتاً تهیه آمار بسامدی هر یک از لغات و ترکیبات این فرهنگ‌واره در ویرایش دوم تصحیح دکتر خالقی مطلق با استفاده از نرم‌افزارها و امکانات رایانه‌ای.

تحریر تقریباً نهایی این فرهنگ‌واره را پیش از چاپ دو تن از برجسته‌ترین شاهنامه‌شناسان فعلی، از سر طغی و مهر دیده و بزرگوارانه تأیید و تشویق کرده‌اند. نخست استاد دانشمند جناب آقای دکتر جلال خالقی مطلق و دیگر دوست ارجمندم جناب آقای دکتر ابوالفضل خطیبی. از این هر دو فرزانه نیک‌نهاد هزاران بار سپاسگزارم. از جناب آقای علی اصغر علمی، مدیر ادب‌دوست و فرهنگ‌پرور انتشارات سخن نیز تشکر دارم که در این تنگنای اوضاع چاپ و نشر و فروش کتاب، طبع و انتشار فرهنگ‌واره لغات و ترکیبات عربی شاهنامه را عهده‌دار شدند. سخن پایانی، تقاضای بسیار موکد نگارنده از همه خوانندگان و صاحب‌نظران برای تذکر سہو و خطاها و نواقص این رساله است تا به یاری راهنمایی‌های علمی آنها بحث لغات عربی شاهنامه به نتیجه کامل و قطعی برسد. چنین باد.

سجاد آیدنلو

آورمبه - تیر ماه ۱۳۹۵

aydenloo@gmail.com

به نام خداوند جان و خرد

مقدمه

یکی از تصوّرات رایج دربارهٔ حماسهٔ ملی ایران در میان عاقلهٔ علاقه‌مندان و خوانندگان شاهنامه و ملی‌شماران چند معدودی از محققان این است که فردوسی اثر خویش را به فارسی سره بروده و هیچ لغت یا ترکیب عربی در شاهنامه به کار نبرده است. این پسر از یکی از روایتهای شفاهی - مردمی مربوط به روابط فردوسی و سلطان محمود به این صورت نمود یافته که هنگام آغاز نظم شاهنامه، بین شاعر و سلطان پیمان بسته می‌شود که فردوسی در منظومهٔ خود از واژه‌های عربی استفاده نکند اما پس از عرضهٔ شاهنامه به دربار محمود، وزیران او در بیت زیر - که البته از افزوده‌های داستان نبرد رستم و اشکبوس است - کلمهٔ عربی «احسن» را می‌یابند و به سخنان نایان می‌دهند:

قضا گفت گیر و قدر گفت ده فلک گفت احسن ملک گفت نه

فردوسی هم در پاسخ آنها می‌گوید «احسن را من نگفته‌ام فلک گفته است و اختیار فلک هم در دست من نیست که بگویم به عربی حرف بزنند یا فارسی».^۱ جالب است که در بیت الحاقی یاد شده چند لغت عربی دیگر هم هست (قضا، قدر، فلک و ملک) ولی اطرافیان محمود فقط یک مورد را دیده و ایراد گرفته‌اند! از

۱. ر.ک: انجوی شیرازی، سید ابوالقاسم؛ فردوسی نامه، ج ۱، ص ۲۷.

این داستان شفاهی - مردمی می‌توان چنین دریافت که احتمالاً برخی دوستداران و شنوندگان/خوانندگان شاهنامه در گذشته می‌پنداشتند که نظم بلند فردوسی، یا لغات عربی ندارد و یا شمار آنها بسیار اندک و انگشت شمار است.

ظاهراً تلقی سره‌سرایی فردوسی و اعتقاد یا علاقه به نبودن لغات عربی در سخن وی در میان بعضی کاتبان شاهنامه در سده‌های پیشین هم وجود داشته است زیرا در نسخه بدلهای فراوان این متن - طبق تصحیح هشت جلدی دکتر خالقی مطلق و همکاران - دقت کنیم می‌بینیم که در مواردی، کاتبان واژه‌های فارسی را جایگزین لغات عربی فردوسی کرده‌اند تا به گمان خویش زبان شاهنامه را بیالایند. در اینجا برای نمونه به چند مثال اشاره می‌کنیم اما لازم است که نسخه بدلهای شاهنامه یک بار نیز بر این منظر (تبدیل لغات عربی به واژه‌های فارسی) به‌طور کامل و دقیق بررسی و مقایسه‌ای شده شود.

۱. بر این نامه بر عمرت بگذرد / می‌خواندش هر که دارد خرد
(خالقی ۶۸/۱۷۴/۴)

در چند نسخه به جای «عمرها»، «سالها» و «سالیان» آمده است (ر.ک: همان، زیرنویس ۱).

۲. مر او را ستاینده کردار اوست / جهان مر به سپهر ز آثار اوست
(۷۰/۱۷۴/۴)

در دست‌نویس قاهره (۷۹۶ ه.ق) «پیکار» جایگزین «آزار» عیبی شده است (ر.ک: همان، زیرنویس ۸).

۳. ببخشید چیزی که بُد بر سپاه / ز اسب و ز رُمح و ز نیغ و کلاه
(۴۰/۵۱۸/۵)

در نسخه‌های قاهره (۷۴۱ ه.ق) و کراچی (۷۵۲ ه.ق) به جای «رُمح»، «نیزه» نوشته شده است (ر.ک: همان، زیرنویس ۲۳).

۴. چو آورد لشکر به پیش فرات / سپه را عدد بود بیش از نبات
(۶۷/۵۳۴/۵)

در نسخه پاریس (۸۴۴ ه.ق) به جای «عدد»، «شمر» آمده است (ر.ک: همان، زیرنویس ۳۹).

۵. همان تاج ایران به حق و سپرد ز گیتی جز از نام زشتی نبرد
(۳۹۳/۳۲۱/۶)

در چند دست‌نویس صورتهای «بدو در سپرد»، «سزا را سپرد»، «ز من در سپر» و «به دل بر شمرد» آمده (ر.ک: همان، زیرنویس ۱) تا ترکیب عربی-فارسی «خویر» از زبان فردوسی کنار گذاشته شود.
۶. ز هر جا خندان غنیمت گرفت که لشکر همی ماند اندر شگفت

(۲۶۷/۳۲۶/۶)

نسخه‌های راجه (۷۸۰ ه.ق)، لیدن (۸۴۰ ه.ق) و توبقاپوسرای (۹۰۳ ه.ق) به جای «غنیمت» رفت، نوشته‌اند: گنجی دگر برگرفت (ر.ک: همان، زیرنویس ۳۲).

۷. فراوان بخندید نوشیاران دولت جوان بود و خسرو جوان
(۲۲۰/۱۰۴/۷)

در واتیکان (۸۴۸ ه.ق) به جای کلمه عربی «دولت»، «بختش» آمده است (ر.ک: همان، زیرنویس ۲۴).

۸. ز خرابی افگند در قعر آب کشیده سر اندر محاب
(۵۹۱/۱۳۲/۷)

در شماری از نسخ «ژرف» جایگزین «قعر» شده است (ر.ک: همان، زیرنویس ۱۵).

۹. سرافراز بوزر جمهر جوان بشد با حکیمان روشن روان
(۱۱۴۹/۱۸۴/۷)

به جای «حکیمان» در واتیکان (۸۴۸ ه.ق) «بزرگان» آمده است (ر.ک: همان، زیرنویس ۸).

۱۰. همان نیز یارانش را هدیه داد ز دینار و از مشکشان کرد شاد
(۲۲۵۷/۲۷۳/۷)

در لندن (۸۴۸ ه.ق) به جای «هدیه»، «مژده» فارسی آمده است (ر.ک: همان، زیرنویس ۱۳).

۱۱. به بهرام گفت آنک جَدَّانِ من همی خواندندش سرانجمن
(۵۱۵/۵۰۷/۷)

بعضی کاتبان به جای «جَدَّان»، «شاهان» و «آن نیاکان» نوشته‌اند (ر.ک: همان، زیرنویس ۱۱).

در میان پژوهشگران معاصر در حدود جستجوهای نگارنده ظاهراً فریدریش روکرت آلمانی (۱۷۸۸-۱۸۶۶ م) نخستین کسی است که گفته در شاهنامه لغت عربی به کار نرفته است. به نوشته نولدکه «روکرت اشاره کرده است که در سده‌های معاصرین فردوسی پر از کلمات عربی است و یکی از اختصاصات فردوسی همین است که او عمداً از بکار بردن آنها پرهیز کرده است»^۱ او این عقیده و کورت نادرست دانسته و یادآور شده که در شاهنامه از «استعمال اصطلاحات عربی - رودری نشده است» (همان و نیز، ر.ک: صص ۱۳۵ و ۱۳۸). نولدکه مآخذ طلبِ روکرت را به دست نداده است ولی محتملاً او این نظر را یا در ترجمه آلمانی خودش از داستان رستم و سهراب (چاپ سال ۱۸۳۸ م) اظهار کرده و یا در ترجمه به جلدی شاهنامه که در فاصله سالهای (۱۸۹۰-۱۸۹۵ م) و پس از مرگش منتشر شده است.

پس از روکرت، ابراهیم و. ویلیامز جکسون (۱۸۶۱-۱۹۳۷ م) استاد زبانهای هندواروپایی در دانشگاه کلمبیا و از محققان برجسته آمریکایی درباره زبانها، ادبیات و دین ایران باستان که در سالهای ۱۹۰۳، ۱۹۰۷ و ۱۹۱۰ م به ایران سفر کرده و گزارش این مسافرتها را در سالهای ۱۹۰۶ و ۱۹۱۱ چاپ نموده، در سفرنامه‌اش نوشته است «در مورد خلوص زبان و به اصطلاح سره نویسی و به اصطلاح پرهیز کردن از به کار بردن لغتهای بیگانه، حماسه ملی شاهنامه فردوسی نعم البدل تاریخ منظوم بروت اثر لایمن به شمار می‌رود.

۱. نولدکه، تودور؛ حماسه ملی ایران، ص ۵۲، زیرنویس ۱. تأکید بر جمله پایانی از نگارنده است.